

مقاله علمی

مطالعه تغییرات روستای میانده از توابع گیلان بعد از پانزده سال

زهرا فرضی زاده^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶)

چکیده

در گذشته تغییرات اجتماعی در روستاها بسیار کم و کند بود، ولی به تدریج با گذشت زمان و تحت تأثیر عوامل متعددی، تغییراتی در جامعه روستایی ایران پدید آمده است که جنبه‌های مختلفی را شامل می‌شود. مطالعه این تغییرات، نه تنها امکان آگاهی از وضعیت فعلی برخی نواحی روستایی و دلایل بروز تغییرات را فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند به پیش‌بینی مسیر احتمالی این تغییرات در آینده و تدوین راهکارهای پیشنهادی و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر شناخت از جامعه روستایی معاصر کمک کند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که بعد از گذشت پانزده سال از انجام مطالعه قبلی، روستای میانده در گیلان به لحاظ جمعیت و برخی ویژگی‌های اجتماعی، فعالیت کشاورزی، تقسیم کار میان زنان و مردان روستایی، یافت فیزیکی و سکونتگاه‌ها دچار چه تغییراتی شده است. در این تحقیق از روش مردم‌نگاری استفاده شد. با فنون مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهده، داده‌های مورد نیاز طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ جمع‌آوری گردید و تحلیل این داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام شد. کاهش جمعیت روستا و افزایش مهاجرت روستاییان به شهر نزدیک روستا، خالی از سکنه شدن برخی قسمت‌های روستا، از بین رفتن محیط همسایگی، احساس نبود امنیت و ترس در میان برخی از بازماندگان روستا، رواج سرقت در روستا به دنبال خلوت شدن بیش از پیش آن، جایگزین شدن شهرنشینانی عمدتاً غیرگیلانی و با سکونت موقت در روستا، مجاورت دو گروه جمعیتی در روستا با دو سبک زندگی متفاوت یعنی (۱) تولید (۲) تفریح، گذران اوقات فراغت و مصرف، شکل‌گیری سکونتگاه‌های کوچک برای اسکان موقت روستاییان زارع و ساکن در شهر نزدیک، اجرای طرح تسطیح اراضی شالی‌کاری، استفاده تعدادی از روستاییان از دستگاه نشاء، تغییر در تقسیم کار میان مردان و زنان روستایی و ... برخی از تغییرات مشهود در این روستا است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: تغییرات جامعه روستایی، مهاجرت، تولید، مصرف

^۱ استادیار گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران
farzizade@ut.ac.ir

مقدمه

در گذشته به دلیل وجود نظام ارباب‌رعیتی در روستاهای ایران و کنترل اکثر جنبه‌های زندگی روستایی از جمله اعمال محدودیت در رفت‌وآمد روستاییان به شهر، عدم احداث راه‌های روستایی و دشواری رفت‌وآمد، نبود ارتباطات گسترده با نواحی دیگر اعم از روستاها و شهرهای اطراف و تردد در آنها، فقدان وسایل ارتباط جمعی، نبود فناوری‌های مدرن مانند تلفن همراه، عدم دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌ها و عدم گسترش ارتباطات مردم با جوامع دیگر، کم‌سواد یا بی‌سواد روستاییان، تغییرات اجتماعی در روستاها بسیار کند بود، ولی به تدریج با گذشت زمان و بروز تغییراتی در حوزه‌های فوق، دگرگونی‌هایی در جامعه روستایی ایران پدید آمد. این تغییرات جنبه‌های مختلفی را شامل می‌شود. تغییرات جمعیتی، تغییر در سبک زندگی، تغییر سکونتگاه‌های روستایی، تغییرات در نوع فعالیت‌های روستاییان، تغییر در نحوه زراعت و تقسیم کار در جامعه روستایی و ... برخی از تغییرات پدیدآمده در نواحی روستایی ایران است که مورد مطالعه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است؛ از جمله دکتر مهدی طالب و دکتر موسی عنبری (۱۳۹۴) که در کتاب «جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران» به بحث درباره تغییرات در جامعه روستایی ایران پرداخته‌اند. آغاز دگرگونی‌های اجتماعی در جامعه روستایی ایران، تغییرات خانواده روستایی، روابط اجتماعی روستایی، اصلاحات ارضی و نقش آن در ایجاد تغییر در جامعه روستایی ایران، برنامه‌های عمران روستایی در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی و واحدهای بهره‌برداری کشاورزی و ... از موضوعات مورد بحث در کتاب فوق است.

در بین پژوهش‌های خارجی می‌توان از اثر لالوف و کرانیچ^۱ (۲۰۰۲) نام برد. آنها در کتاب خود با عنوان «تغییر و پایداری در اجتماعات روستایی» به بررسی تغییرات جوامع روستایی آمریکا پرداخته‌اند. پرسش اساسی پژوهش فوق این است که اجتماعات محلی تا چه حد و با چه روش‌هایی به عنوان اشکال معنی‌دار سامان اجتماعی در نواحی روستایی آمریکای معاصر بقا می‌یابند. در این کتاب با تمرکز بر شش حوزه مطالعاتی روستایی، برخی الگوهای متنوع سامان اجتماعی و تغییر جوامع روستایی آمریکا در طی ۵۰ سال ثبت شده و یک ارزیابی مقایسه‌ای درباره الگوهای تغییر پدیدآمده در نواحی روستایی، آثار تغییر بر ظرفیت اجتماع و فرایندهای

1 Luloff & Krannich

تعامل اجتماعی محلی و معناها و دلالت‌های چنین تغییراتی برای رفاه اجتماع روستایی و سیاست توسعه روستایی انجام شده است.

ویلا^۱ (۲۰۱۲) نیز با ثبت داستان‌های زندگی گروه‌های سنی مختلف مردان و زنان در جوامع روستایی مرکز نروژ، به بررسی تغییرات زندگی روستایی در چند دهه اخیر پرداخته و به این موضوع توجه داشته است که چگونه مهاجرت از مناطق شهری به روستایی و زندگی در روستا می‌تواند بهتر از زندگی شهری، ایمن‌تر و آرامش‌بخش‌تر باشد.

در این پژوهش، هدف بررسی تغییرات یکی از روستاهای نواحی شمالی کشور بعد از گذشت پانزده سال است. نام روستای مورد مطالعه، میانه است که در محدوده دهستان کسماء بخش مرکزی شهرستان صومعه‌سرا از توابع استان گیلان قرار دارد. نگارنده این روستا را پانزده سال قبل مورد مطالعه قرار داده است. در آن زمان ابتدا از بهمن ۱۳۸۴ تا اسفند ۱۳۸۵ نقش زنان روستای میانه در بخش کشاورزی مطالعه شد که یافته‌های آن، زمینه‌ساز آگاهی از موضوع دیگری گردید که از فروردین تا شهریور ۱۳۸۶ در بخش دوم تحقیق مورد بررسی قرار گرفت^۲. اکنون بعد از گذشت پانزده سال، به روستای فوق مراجعه گردید و تغییرات آن در مقایسه با سال ۱۳۸۵ بررسی شد.

پرسش‌های این تحقیق عبارت‌اند از: (۱) روستای میانه به لحاظ جمعیت و برخی ویژگی‌های دیگر (امنیت، محیط همسایگی، وضعیت سکونت در خانه‌های روستا، تقسیم کار میان زنان و مردان روستایی و ...) دچار چه تغییراتی شده است؟ (۲) روستای میانه در بخش کشاورزی چه تغییراتی داشته است؟ (۳) بافت فیزیکی و سکونتگاه‌های روستا دچار چه تغییراتی

1 Villa

۲ برآورد میزان ساعات کار زنان روستایی در بخش کشاورزی، مقایسه میزان فعالیت گروه‌های مختلف زنان روستایی در بخش کشاورزی، ارائه تصویری از انواع فعالیت‌های زنان روستایی در فرایند تولید محصولات کشاورزی، مطالعه نحوه انجام فعالیت‌ها در بخش کشاورزی، و بررسی چگونگی تقسیم کار بین مردان و زنان روستایی در حوزه کشاورزی، در بخش اول این مطالعه انجام شد. در این بخش از تحقیق ملاحظه شد که عده‌ای از دختران و زنان روستایی برخلاف گذشته، دیگر تمایلی به انجام کار در بخش کشاورزی ندارند و خانوارها به استفاده از کارگر روزمزدی یا شیوه‌های دیگر کشت نظیر بهره‌برداری اجاره‌داری و نصفه‌کاری روآوردند یا در مواردی در حال فروش منزل مسکونی، زمین‌ها و مهاجرت به شهر هستند. بنابراین در ادامه در بخش دوم، عوامل مؤثر بر کاهش فعالیت دختران و زنان روستایی در بخش کشاورزی بررسی شد.

شده است؟ انجام این نوع پژوهش‌ها علاوه بر اینکه موجبات آگاهی از وضعیت فعلی و تغییرات برخی نواحی روستایی و دلایل بروز این تغییرات را فراهم می‌کند، می‌تواند به پیش‌بینی مسیر احتمالی این تغییرات در آینده و تدوین راهکارهای پیشنهادی و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر شناخت از جامعه روستایی معاصر کمک کند.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش مردم‌نگاری استفاده گردید. داده‌های مورد نیاز در چند سفر به روستا با اقامت طولانی طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ با استفاده از فنون مشاهده و برگزاری مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته با پانزده نفر از اهالی روستا جمع‌آوری شد. ویژگی‌های پانزده نفر در جدول پیوست (۱) بیان شده است. برای تحلیل داده‌های کیفی نیز شیوه تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفت. همچنین جدولی تدوین شد که در آن ویژگی‌های همه خانه‌های روستا به لحاظ وضعیت سکونت، مقابل نام ساکنان قبلی و فعلی آنها ثبت گردید. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از وضعیت خانه: سکونت دائم میانه‌دهی‌ها، سکونت موقت میانه‌دهی‌های ساکن در صومعه‌سرا، سکونت موقت شهرنشین‌های ساکن در تهران، خانه خالی از سکنه (در حال تخریب یا سالم)- وضعیت شالیزار: اجاره‌داری، نصفه‌کاری، فروش (به غریبه یا محلی و کشت یا عدم کشت آن)، کشت توسط سرپرست خانوار، کشت توسط فرزندان ساکن در صومعه‌سرا (پیوست ۲).

موقعیت طبیعی و جغرافیایی

روستای میانه از شمال به روستای کوده، از جنوب به روستای جیرگوراب، از غرب به روستاهای زرکام و پوستین‌سرا و از شرق به روستای راسته‌کنار محدود می‌شود. این روستا در بخش جلگه‌ای شهرستان صومعه‌سرا در بستری کاملاً هموار بدون عارضه طبیعی خاص قرار دارد. فاصله روستا با شهر صومعه‌سرا حدود ۱۲ کیلومتر است و مسیرهای ارتباطی متعددی با شهر صومعه‌سرا، تولم‌شهر و آبادی‌های اطراف دارد. این روستا در ۴۹ درجه، ۱۸ دقیقه و ۵۴ ثانیه طول شرقی و در ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی قرار دارد (مهندسین مشاور شهر آب خزر، ۱۳۸۳: ۳۸).



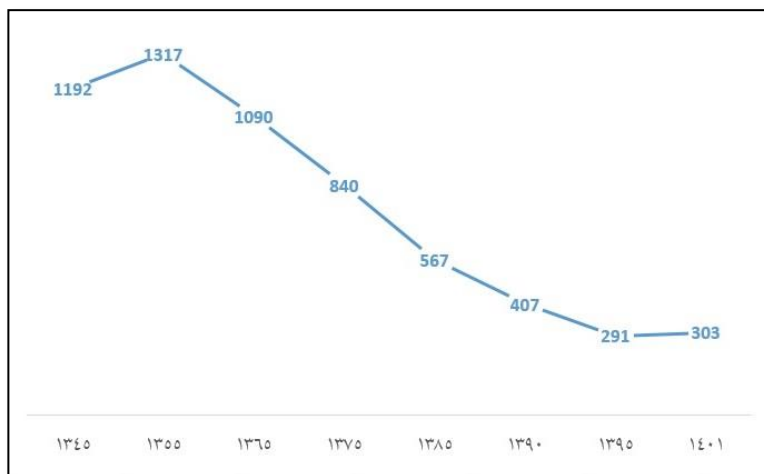
نقشه (۱): روستای میانه

منبع: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی صومعه‌سرا، ۱۳۸۵

در روستای میانه دو عامل سبب پراکندگی خانه‌های روستاییان شده است که عبارت‌اند از: (۱) فراوانی آب و (۲) قرار گرفتن زمین‌های زراعی روستاییان در پیرامون خانه‌ها. این روستا مانند بسیاری از روستاهای استان گیلان در منطقه‌ای پرآب واقع شده و همین موقعیت، نقش مهمی را در پراکندگی خانه‌ها داشته است. همچنین از آنجایی که خانه اکثر روستاییان در کنار یا وسط زمین‌های زراعی‌شان قرار دارد، فاصله خانه‌ها از هم زیاد است. از طرف دیگر وجود جاده‌ای طویل، از بدو ورود به روستا و رودخانه پلنگ‌رود^۱ در غرب و شمال غربی آن سبب شده است روستای میانه جزء روستاهای خطی شکل باشد.

تغییرات جمعیتی

بر اساس اطلاعات خانه بهداشت، جمعیت روستای میانه در سال ۱۴۰۱، ۳۰۳ نفر و تعداد خانوارهای آن نیز ۱۲۵ خانوار است. جمعیت روستا طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۴۰۱ به میزان بسیاری کاهش یافته است که با توجه به کاهش بُعد خانوار و نیز تعداد خانوارها مهمترین علت آن را می‌توان در مهاجرت خانوارهای روستایی به شهر دانست. البته فوت سالمندان روستا، کاهش میزان زاد و ولد در روستا به دلیل عدم سکونت جوانان در روستا در دوران بعد از ازدواج و ... نیز از دلایل کاهش جمعیت روستا است.



نمودار (۱): جمعیت روستای میانه در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۴۵

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰؛ خانه بهداشت روستای میانه، ۱۴۰۱

بر اساس یافته‌های مطالعه اول^۱ در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶، مهاجرت جوانان روستا به صورت فردی، از سال ۱۳۴۰ شروع شده و از آن تاریخ به بعد روز به روز تعدادشان افزایش یافته است. مهاجرت جوانان این روستا به شهر، اقدامی عادی محسوب می‌شود و در هر خانوار روستایی فرزند یا فرزندان هستند که در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند. مهاجرت خانوارهای روستایی نیز از سال ۱۳۷۵ به بعد به تدریج افزایش یافت. دلایل مهاجرت آنها عبارت‌اند از:

(۱) بر اساس یافته‌های پژوهش ۱۳۸۵، روستاییان به ویژه نسل جوان و میانسال که تعدادشان از آن زمان تاکنون افزایش یافته است، عمدتاً به دلیل دگرگونی‌های ارزشی-هنجاری که به تدریج در حال گسترش در روستا بود، دیگر تمایلی به زندگی در روستا و اشتغال به کشاورزی نداشتند. عواملی که موجب آغاز فرایند دگرگونی از ارزش‌های زندگی روستایی (تولید) به ارزش‌های زندگی شهری (مصرف و رفاه) و میل به رهایی از روستانشینی و کشاورزی شده بود، عبارت بودند از: الف) تأثیرپذیری از شهر و تمایل به شهری بودن، ب) مقایسه زندگی خود با زندگی اقوام شهرنشین که در گذشته از روستا به شهر مهاجرت

۱. ر. ک. به فیروزآبادی و فرضی‌زاده (۱۳۸۸)

کردند و پس از تغییر پایگاه اجتماعی و اقتصادی، در ایام تعطیلات به عنوان مهمان به روستا می‌آمدند و به نوعی مروج و ویژگی‌های زندگی شهری در روستا بودند، پ) باور به ادامه تحصیل به عنوان تنها راه دستیابی به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بهتر، ت) نگرش منفی پدران و مادران روستایی به روستانشینی فرزندان و اشتغال آنها به کشاورزی^۱. شایان ذکر است که افزایش دسترسی به رسانه‌های جدید در سال‌های اخیر را هم می‌توان به مجموعه عوامل مؤثر بر تسریع دگرگونی ارزشی-هنجاری اضافه کرد.

۲) بر اساس یافته‌های مطالعه ۱۳۸۵، در کنار عامل اصلی فوق، تفاوت شهر و روستا به لحاظ برخورداری از برخی امکانات زندگی هم در افزایش مهاجرت‌ها به شهر مؤثر بود. نبود خط تاکسی فعال در هر روز هفته برای دسترسی راحت‌تر به شهر به منظور تهیه برخی لوازم مورد نیاز از بازار و مراجعه به پزشک، نبود مدرسه راهنمایی در روستا، نبود گاز در روستا و ... از جمله نکات مورد نظر روستاییان بود.

۳) همچنین در مطالعه ۱۳۸۵، توانایی تأمین نیازهای زندگی در شهر، به عنوان عاملی شناخته شد که مهاجرت خانوارهای روستایی به شهر را تسهیل می‌کرد. خانوارهایی که به دلیل داشتن مقدار زیادی زمین، یا داشتن شغل دیگری علاوه بر کشاورزی و ... از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودند و خانوارهایی که تحت حمایت مالی فرزندان قرار داشتند، از توانایی تأمین نیازهای زندگی خود در شهر برخوردار بودند. آنها خانه و زمین خود را به قصد فروش، ترک و به شهر نزدیک روستا یعنی صومعه‌سرا مهاجرت می‌کردند. به طوری که یکی از روستاییان در آبان سال ۱۳۸۵ به همراه خانواده‌اش به شهر صومعه‌سرا مهاجرت کرد و در خرداد ۱۳۸۶ نیز مهاجرت سه خانوار ۵ نفره به شهر مشاهده شد. تعداد خانوارهای مهاجر به صومعه‌سرا به تدریج در طی پانزده سال گذشته افزایش یافته است و در بین مهاجران، خانوارهایی دیده می‌شوند که با وجود زندگی در شهر، برای کشاورزی به روستا برمی‌گردند.

۱ پدران و مادران معتقد بودند فرزندان با انجام کارهای غیرکشاورزی، هم از زندگی راحت‌تری برخوردارند و کمتر متحمل دشواری‌های فعالیت در بخش کشاورزی می‌شوند و هم درآمد بیشتری کسب می‌کنند. علاوه بر این، حقوق ثابت که ماهیانه نصیب فرد می‌شود، نزد روستاییان از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بود؛ به طوری که چندین بار مشاهده شد در هنگام تعریف و تمجید از فرزند یکی از اهالی که در شهر مشغول به کار است، بر حقوق‌بگیر بودن وی بسیار تأکید می‌کردند.

۴) بر اساس یافته‌های مطالعه اخیر، برخی خانوارهای روستایی که در سال‌های گذشته به زندگی در روستا علاقه‌مند بودند و قصد مهاجرت نداشتند، به تدریج با مهاجرت همسایگان پیرامون و خالی از سکنه شدن محدوده زندگی‌شان و از بین رفتن محیط همسایگی، احساس تنهایی و گاه حتی احساس نبود امنیت و ترس کردند و به مهاجرت از روستا گرایش یافتند و در واقع دلیل عمده مهاجرت‌شان همین موضوع بوده است. با قدم زدن در بخش‌های مختلف روستا نیز به ندرت ساکنان بومی مشاهده می‌شود و روستا بسیار خلوت‌تر از گذشته شده است.

«روز به روز روستا خلوت‌تر میشه، شب در قهوه‌خانه ما فقط ۳ نفریم. کسی اینجا نیست که بیاد قهوه‌خانه، خانه‌ای هم که تهرانی اینجا خریده، خالی هست. اینجا زندگی که نمیکنه. برای تفریح میان، تعطیلات میان.»

۵) یکی دیگر از عوامل مؤثر بر مهاجرت برخی روستاییان به ویژه ساکنان نواحی خلوت‌تر و گوشه‌های انتهایی روستا در طی سال‌های اخیر نیز احساس نبود امنیت در اثر رواج سرقت در روستا است. در واقع کاهش جمعیت و رفت‌وآمد مردم و خلوت شدن روستا در شیوع سرقت در آنجا مؤثر بوده است. نقل قول یکی از روستاییان، بیانگر این وضعیت است:

«گفت ساعت ۳ بعد از ظهر بوده. خوابیده بوده. خانمش او را صدا زده گفته این سیم برق‌ها را دارن می‌دزدن. سیم‌ها را بریدن و روی زمین انداختن. آدم باید جایی زندگی کنه که امنیت داشته باشه. می‌دانی امسال چند بار سیم‌های برق را بردن؟ و مردم بدون برق مانند. غارت کردن. می‌دانی تا به حال چند تا خانه را زدن؟ محلی که در آنجا دزد باشه دیگه همیشه تو آن محل زندگی کرد. من چطور اینجا زندگی کنم، خواب و مرگ یکیه. وقتی من خوابیدم اگر یکی با چاقو بالای سرم ظاهر شد، من چه کار می‌توانم بکنم؟.... بیشتر خانه‌های تهرانی‌ها در اینجا دوربین داره و دوربین وصل به گوشیه. همان لحظه به پاسگاه و شورا زنگ می‌زنن. البته دزد حرفه‌ای اول کنتور برق را قطع میکنه و دوربین قطع میشه. پس خانه‌های تهرانی‌ها هم امنیت نداره.»

در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۶ تعداد خانوارهای مهاجر به شهر بسیار اندک و حدود ۴-۵ خانوار بود. اما امروز با نگاهی به روستا متوجه می‌شویم که تعدادشان بسیار افزایش یافته و اشخاص دیگری جایگزین ساکنان قبلی روستا شده‌اند. ساکنان جدید بیشتر شهرنشینانی غیرگیلانی هستند که با خرید زمین و خانه در روستا، به بازسازی یا نوسازی خانه با سبکی متفاوت با خانه‌های ساده روستایی پرداختند و به طور موقت و مقطعی به گذران اوقات

فراغت خود در آنجا می‌پردازند. البته عده معدودی از ساکنان موقتی روستا هم از فرزندان و نوادگان ساکنان قدیم روستا هستند که در آنجا خانه ساختند و در ایام تعطیلات به آنجا می‌آیند. آنها که چهار خانوار را شامل می‌شوند، زمانی از این روستا برای ادامه تحصیل یا اشتغال در بخش غیرکشاورزی و زندگی به شهر مهاجرت کردند. اما اکنون زندگی موقت در ویلایی در روستای آبا و اجدادی برای تفریح و گذران اوقات فراغت و استراحت از ارزش بسیاری در بین آنها برخوردار شده است. همچنین اکنون در بین فرزندان و نوادگان ساکنان سابق این روستا که هنوز از مکانی برای اقامت موقت در روستا برخوردار نیستند، آرزو و تلاش برای داشتن خانه‌ای در روستا مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد خاطره‌های دوران کودکی و نوجوانی، پایداری هویت قومی و حس تعلق به محیطی که سال‌های آغازین زندگی خود را در آنجا سپری کردند، از عوامل مؤثر بر تمایل آنها به بازگشت به روستای آبا و اجدادی خود است.

وضعیت سکونت در خانه‌های روستا

بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با تعدادی از مطلعان کلیدی در بهار و تابستان سال ۱۴۰۱ و پرسش اطلاعات مربوط به وضعیت سکونت در خانه‌های روستا، به طور کلی وضعیت زیر مشاهده می‌شود (جدول ۱).

جدول (۱): وضعیت سکونت در خانه‌های روستا در سال ۱۴۰۱

سکونت دائم میاندهی‌ها	سکونت موقت میاندهی‌های ساکن در صومعه‌سرا	سکونت موقت شهرنشینان ساکن در تهران	خانه خالی از سکنه	خانه تبدیل به باغ
۷۰	۱۷	۲۲	۱۵	۱
٪۵۶	٪۱۴	٪۱۸	٪۱۱	٪۱

منبع: یافته‌های تحقیق

۱ از ۲۲ خانه روستایی، ۱۸ مورد متعلق به تهرانی‌ها و ۴ مورد متعلق به فرزندان و نوادگان میاندهی‌ها است که در تهران زندگی می‌کنند.

۲ از ۱۵ خانه روستایی خالی از سکنه، ۵ مورد در حال تخریب است که علت آن خالی بودن خانه به مدت طولانی و عدم رسیدگی به آن است.

در ۵۶ درصد از خانه‌های روستا شاهد سکونت دائم روستاییان هستیم. آنها شالیزارهای خود را با یکی از روش‌های زیر کشت می‌کنند: (۱) کاشت نشا برنج همراه با نیروی کارگر یا دستگاه نشا، (۲) واگذاری شالیزار به صورت اجاره‌ای یا نصفه‌کاری به سایر میاندھی‌ها. منظور میاندھی‌هایی است که در این روستا زندگی می‌کنند یا اینکه به صومعه‌سرا مهاجرت کردند، ولی برای به زیر کشت بردن زمین (با کارگر یا دستگاه نشا) به روستا می‌آیند. به گفته روستاییان، همه شالیزارهای میاندھی‌ها کشت می‌کنند و هیچ غریبه‌ای از بیرون روستا شالیزار را به صورت اجاره‌ای یا نصفه‌کاری در اختیار ندارد.

در ۱۴ درصد از خانه‌های روستا نیز میاندھی‌های ساکن در صومعه‌سرا، به طور موقت و در دوره‌های زمانی خاص زندگی می‌کنند. این خانه‌ها بدون اینکه بازسازی یا نوسازی شود، عمدتاً در فصل کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنها شالیزارها و باغات خود در روستا را حفظ کرده‌اند و آنها را به زیر کشت می‌برند. گاهی هم با وجود فروش خانه روستایی، باغات و شالیزارها حفظ شده است و به زیر کشت می‌رود. شالیزارها یا توسط آنها همراه با تعدادی کارگر یا دستگاه نشا زیر کشت می‌رود یا اینکه بیشتر به صورت نصفه‌کاری یا اجاره‌ای به سایرین واگذار می‌شود و سایرین با کارگر یا دستگاه نشا، کاشت را انجام می‌دهند. اجاره‌داری بیشترین شکل واگذاری زمین در بین خانوارهای مذکور است. در واگذاری زمین به صورت اجاره، نیاز کمتری به حضور صاحب زمین در روستا وجود دارد، ولی در بهره‌برداری نصفه‌کاری، صاحب زمین به منظور مشارکت در برخی امور و پرداخت برخی هزینه‌ها باید به روستا مراجعه کند. در باغات نیز درختانی کشت می‌شود که بعد از چند سال این درختان به فروش می‌رسد. البته برخی از آنها هم صرفاً برای هواخوری و گذران اوقات فراغت، در این خانه‌ها به طور موقت سکونت دارند.

۱۸ درصد از خانه‌های مسکونی (معادل ۲۲ خانه) نیز متعلق به شهرنشینانی است که به عنوان خانه دوم و برای گذران اوقات فراغت و تفریح و استراحت مورد استفاده آنها قرار می‌گیرد. معماری برخی از این خانه‌ها مجلل و بسیار متفاوت با سایر خانه‌های محلی است. از این ۲۲ خانه، ۱۸ مورد به تهرانی‌ها و ۴ مورد به فرزندان و نوادگان میاندھی‌هایی تعلق دارد که ساکن تهران هستند. شایان ذکر است که تعدادی دیگر از شهرنشین‌ها هم از روستاییان زمین

خریداری و حصاری به دور آن احداث کردند. به گفته روستاییان برخی از شهرنشینان فوق قصد دارند در آینده خانه‌هایی در این زمین‌ها بسازند.

بدین ترتیب در این روستا از یک سو شاهد حضور روستاییانی هستیم که با سخت‌کوشی برای تأمین معاش خانوار خود به فعالیت و تولید در بخش کشاورزی مشغول هستند و پیوسته نگران نوسان‌های آب‌وهوایی و اقتصادی و افزایش هزینه‌های تولید و تأثیر آن بر معاش‌شان و نگران فردا هستند. از سوی دیگر شاهد حضور شهرنشینانی هستیم که برای تفریح و لذت بردن از آرامش و طبیعت روستا و گذران اوقات فراغت و مصرف به طور موقت در روستا حضور دارند. در حالی که در گذشته فقط یک گروه جمعیتی خاص با زمینه‌های فرهنگی و زبانی خاص خود در روستا وجود داشت که در انسجام و یکپارچگی محلی و پیوستگی اجتماعی در روستا مؤثر بود.

البته مجاورت این دو نوع شیوه زندگی در روستا که ویژگی بارز یکی، تولید و تلاش برای بقا و آسیب‌پذیری در برابر نوسان‌های آب‌وهوایی و اقتصادی و ... است و ویژگی دیگری، ثروت و نمایش آن، تفریح و گذران اوقات فراغت و مصرف است، نه تنها در این روستا بلکه در برخی نواحی روستایی دیگر استان نیز به ویژه در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود. بدیهی است مجاورت این دو نوع سبک زندگی در کنار هم، آثار فرهنگی و اجتماعی متعددی می‌تواند داشته باشد. مقایسه خود با آنها، ادراک تبعیض و حسرت از جمله پیامدها است. یکی از روستاییان می‌گفت:

«... وضع‌شان خوبه، پولدارن. بیشترشان تهرانی‌اند، اصفهانی هم هست. روستاهای ما سال‌های آینده فارس‌نشین میشه. غیربومی میاد اینجا زندگی می‌کنه. بومی‌ها همه میرن... مردم با دیدن وضع تهرانی‌ها در روستاهای شمال، خانه‌ها و ماشین‌هاشون حسرت می‌خورند...»

همچنین روستاییان اطلاعات چندانی درباره ساکنان جدید و موقتی شهری ندارند. روستا که از ویژگی‌های بارز آن، حاکمیت روابط شخصی و چهره‌به‌چهره مبتنی بر شناخت از یکدیگر بود، حالا به مکانی تبدیل شده که روستاییان در آن شناخت چندانی از همسایه‌های جدید خود ندارند. بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده، پیوند و تعاملی بین این دو گروه جمعیتی ساکن در روستا وجود ندارد و حتی در حین مشاهده میدانی دیده شد که روستایی از دیوارهای بلندی که همسایه شهری به دور خانه روستایی خود احداث کرده است، گله می‌کند:

«از وقتی این خونه را خریده، دو ردیف سنگ بر روی سنگ‌های قبلی دیوار دور خونه اضافه کرده و دیوار را بلندتر کرده، طوری که من اصلاً نمی‌توانم بفهمم کی هست، کی نیست و چه کسی اینجا رفت و آمد می‌کنه، نمی‌توانم بفهمم ورود و خروجش کی هست. شاید یک خلاف‌کار بیاد داخل خونه، اما من خبر ندارم. من همسایه‌ای می‌خوام که بتوانم صدایش کنم و ببینمش و دو کلمه باهاش حرف بزنم». «... دیوارها بلند شده. اصلاً نمی‌شناسیم. یک خانه اینجا هست، کلی دوربین کار گذاشته. دور تا دور خانه دوربین هست...»

شایان ذکر است که برخی روستاییان به دلیل افزایش ارزش و قیمت زمین در نواحی شمالی کشور، از فروش زمین و خانه خود به شهری‌ها در سال‌های گذشته پشیمان هستند. یکی از روستاییان می‌گفت:

«بعضی‌شان خیلی ارزان فروختن، خانه را ۲ سال پیش ۳ سال پیش ۱۰۰ تومن یا ۱۵۰ تومن فروختن. الان آن خانه ۱ میلیارد، ۱ میلیارد و نیم پولش پشیمانن. ارزان فروختن».



عکس (۱) و (۲): خانه دوم شهرنشینان در روستای میانه (سال ۱۴۰۱)

برخی از روستاییان هم در انتظار فروش زمین و خانه خود هستند و علاوه بر سپردن زمین و خانه به بنگاه املاک، تابلوی «به فروش می‌رسد» نیز بر در خانه یا زمین آنها مشاهده می‌شود.



عکس (۳) و (۴): آگهی فروش خانه و زمین (سال ۱۴۰۰)

۱۱ درصد از خانه‌های روستا نیز خالی از سکنه است که برخی از این خانه‌های خالی از سکنه و بدون استفاده، به شهرنشینان تهرانی فروخته شده و برخی نیز در انتظار فروش است و

وضعیت برخی نیز مشخص نیست. خانه‌های خالی از سکنه به دو دسته یعنی در حال تخریب و قابل سکونت تقسیم می‌شوند. خانه‌های در حال تخریب، سال‌ها خالی از سکنه بوده و به آنها رسیدگی نشده است. صاحبان این خانه‌ها سال‌هاست که فوت کرده‌اند و فرزندان‌شان هم در شهر زندگی می‌کنند. یکی از روستاییان نیز بعد از مهاجرت به صومعه‌سرا، خانه خود در روستا را تخریب و زمین آن را به باغ میوه تبدیل کرده است.



عکس (۵) و (۶): خانه‌های خالی از سکنه و در حال تخریب (سال ۱۴۰۰)

یکی دیگر از پدیده‌هایی که طی سال‌های اخیر در این روستا رایج شده است، شکل‌گیری سکونتگاه‌های موقتی و کوچک در کنار زمین زراعی است. روستاییانی که خانه خود را فروخته‌اند، ولی در فصل کشاورزی برای انجام فعالیت‌های مختلف در شالیزارها و باغات پیوسته به روستا می‌آیند، نیازمند اقامتگاهی کوچک هستند تا لحظاتی در آن استراحت کنند و برخی لوازم کشاورزی کوچک را در آنجا قرار دهند. این موضوع بیشتر در مورد افرادی مصداق دارد که خودشان با کارگر یا دستگاه نشا زمین‌های خود را به زیر کشت می‌برند. به هر حال کاشت، داشت و برداشت برنج شامل مراحل مختلف و ریزه‌کاری‌های متعددی است که پیوسته سرکشی مستمر به شالیزار به منظور تنظیم میزان آب آن و انجام سایر امور را ایجاب می‌کند. آنها در باغ‌های خود نیز محصولاتی مانند گوجه‌فرنگی، خیار، بادمجان، سبزیجات و ... می‌کارند.



عکس (۷): سکونتگاهی موقت و کوچک در کنار شالیزار (سال ۱۴۰۱)

در مشاهدات میدانی دیده شد که یکی از روستاییان در کنار خانه سابق خود، یک سکونتگاه موقتی (و البته بزرگ در مقایسه با سایر سکونتگاه‌های موقتی روستا) احداث کرده است. خانه و زمین‌های وی در گوشه انتهایی روستا قرار داشت و او به دلیل فوت همسرش و نبود همسایه‌های اطراف (به دلیل فوت یا مهاجرت)، ۲ سال قبل خانه سابق خود را به یک شهرنشین غیرگیلانی فروخت و به صومعه‌سرا رفت. او و فرزندانش در فصل کشاورزی برای کشت

شالیزارها و باغات و کار روی شالیزارهایی که از دیگران اجاره می‌کنند، در این سکونتگاه موقتی اسکان دارند.

تغییرات در بخش کشاورزی

اقتصاد روستای میانده مانند سایر نواحی روستایی استان گیلان بر محور کشاورزی تکوین یافته است. این روستا به دلیل وجود ویژگی‌های طبیعی مناسب در آن، برای کشت محصولاتمانند برنج، انواع صیفی‌جات، حبوبات، سبزیجات مختلف، نیشکر، بادام زمینی، کنجد، توتون و برخی درختان میوه بسیار مستعد است. در سال ۱۳۸۵ صرفاً عده معدودی^۱ از خانوارها برخی فعالیت‌ها مانند کشت توتون، نیشکر و پرورش کرم ابریشم را انجام می‌دادند، ولی کشت برنج و صیفی‌جات، در همه خانوارها عمومیت داشت. پرورش ماکیان از جمله مرغ و خروس و اردک نیز در روستا رایج بود. اکنون نیز باغداری و کشت برنج و پرورش ماکیان همانند گذشته در روستای میانده متداول است. با وجود مهاجرت برخی روستاییان به صومعه‌سرا، شالیزارهای آنها در روستا با مدیریت خودشان یا از طریق واگذاری به ساکنان دائم روستا در قالب قرارداد اجاره کشت می‌شود. البته در نحوه کشت برنج تغییراتی ایجاد شده است که در ادامه بیان می‌شود.

در روستای میانده به دلیل کاهش جمعیت فعال، جوان و علاقه‌مند به کشاورزی، با کمبود نیروی کار مواجه هستیم. هر چند امکان آوردن کارگرانی از نواحی بیرون روستا در فصل کشاورزی وجود دارد، اما هم هزینه بالایی دارد و هم در شرایط آب‌وهوایی خاص، کارگران کمیاب می‌شوند و دستمزد آنها نیز افزایش می‌یابد. از جمله تغییرات پدیدآمده در روستا این است که استفاده از دستگاه نشا رایج شده است. در حالی که در زمان مطالعه اول در سال ۱۳۸۵، همه با دست نشا برنج را کشت می‌کردند.

در ضمن طرح تجهیز و نوسازی یا همان تسطیح اراضی شالی‌کاری^۲ (به تعبیر روستاییان طرح بهزراعی روستایی) در بخش‌هایی از روستا در چند مرحله یعنی سال‌های ۹۷ و ۹۸ و نیز در دهه

۱ در سال ۱۳۸۵ دو خانوار به کشت توتون و چهار خانوار نیز به پرورش کرم ابریشم اشتغال داشتند. دو خانوار هم همزمان به کشت توتون و پرورش کرم ابریشم در کنار سایر فعالیت‌های زراعی و دامی می‌پرداختند.

۲ عملیات اجرایی برای طرح تجهیز و نوسازی اراضی شامل تسطیح، قطعه‌بندی، احداث جاده‌های بین مزارع، احداث شبکه آبیاری و زهکشی و احداث ابنیه‌های فنی می‌شود. انجام این کار موجب افزایش راندمان آبیاری، مدیریت بهینه مصرف آب و آبرسانی منظم، خروج آب‌های مازاد از مزارع، دسترسی آسان به قطعات زراعی و

۸۰ اجرا شده است (به گفته دهیار روستا در ۱۲۰ هکتار از کل ۳۰۰ هکتار شالیزار روستا). با اجرای این طرح، استفاده از دستگاه نشا بسیار آسان تر شده است. البته در زمین هایی که هنوز طرح تسطیح اراضی شالی کاری اجرا نشده، امکان استفاده از دستگاه نشا وجود دارد. به گفته روستاییان امسال در میانه حدود ۶۰-۷۰ درصد از مردم از دستگاه نشا برای کشت برنج استفاده کردند و بدین ترتیب مشکل نبود نیروی کار برای کاشت نشا برنج و برخی دشواری های مربوط به کاشت سنتی و دستی نشا برنج نیز رفع شده است. برای برداشت برنج نیز از کمباین استفاده می شود. البته گاهی در فصل برداشت به دلیل وقوع بارندگی های فراوان و غیرمنتظره و خم شدن خوشه های برنج، استفاده از کارگران مرد برای درو برنج به صورت دستی ضرورت می یابد.

«خانم ها نیستن یا پیر شدن، جوان ها هم کار نمی کنن، به همین خاطر با دستگاه، نشا می کنن. کمباین هم آمده و دیگه آن خرمن کوب های کوچک باطل شده... همه زمین شان را کشت می کنن. یا خودشان کشت می کنن یا اگر توانش را ندارن، به دیگران اجاره میدن. اگر بخواهی تو میانه زمین برای برنج کاری اجاره کنی، نمی توانی پیدا کنی، چون برنج گران شده. کشاورزی افت نکرده. رشد کرده، اما افت نکرده، الان من اگر بخواهم ۲۰۰۰ متر زمین کسی دیگر را اجاره کنم، اصلاً نیست. همه خودشان زمین شان را کشت می کنن حالا یا با کارگر یا با دستگاه نشا. اینجا کسانی که زمین را کشت می کنن، همه میانه می هستن و کسی نیست که از بیرون روستا، اینجا زمین اجاره کنه.»

به گفته تعدادی از روستاییان استفاده از دستگاه نشا مزیت هایی دارد که عبارت اند از: (۱) دستگاه، نشا برنج را در عمق بیشتری از زمین فرو می برد و به تعبیر آنها قرص و محکم می کارد، (۲) کارگر کمیاب است و دستگاه می تواند مشکل نبود کارگر را رفع کند، به ویژه در این دوران که به دلیل کاهش جمعیت روستا و سایر تغییرات اجتماعی، شاهد کم رنگ شدن همیاری های سنتی نیز هستیم و دیگر اثری از روابط و مناسبات و پیوندهای تسهیل کننده همکاری و تقویت کننده همیاری های سنتی در روستا مشاهده نمی شود. (۳) استفاده از دستگاه نشا به صرفه تر است، زیرا این قابلیت را دارد که یک هکتار زمین را در مدت کوتاهی (۴-۵ ساعت) به زیر کشت برنج ببرد. در حالی که در کاشت سنتی و دستی نشا برنج، نیاز است تعدادی از کارگران

ایاب و ذهاب راحت، کاهش هزینه های تولید و زمینه سازی برای استفاده بهینه از ماشین آلات کشاورزی در مراحل کاشت، داشت و برداشت، حمل و نقل آسان محصول به انبار و کارخانه، کاهش هزینه تولید و افزایش محصول و درآمد خانوار کشاورز می گردد.

روستایی زن، ساعات بیشتری را به کار در این مقدار زمین اختصاص دهند. به طوری که مثلاً برای کاشت سنتی و دستی نشا برنج در یک هکتار زمین نیاز است ۲۲ نفر یک روز از صبح تا غروب روی زمین کار کنند. اما اگر تعداد کارگران ۱۰ نفر باشد، ۲ روز صبح تا غروب برای کاشت نشا برنج در یک هکتار زمین وقت نیاز است. همچنین صاحب زمین باید برای پرداخت دستمزد به کارگران روستایی، پذیرایی از آنها (میان‌وعده، ناهار، عصرانه)، حمل‌ونقل کارگران و... مبالغ بسیاری پرداخت کند. از طرف دیگر در زمان‌هایی که به دلیل نوسان‌های آب‌وهوایی، ضرورت دارد کشت در زمان مشخصی به پایان برسد، کارگر کمیاب می‌شود و دستمزد او بیشتر است. ۴) زنان روستایی کمتر متحمل زحمات و دشواری‌های مربوط به کاشت نشا برنج و مبتلا به بیماری‌های مرتبط با آن (روماتیسم و دردهای مفصلی و زخم‌ها و التهابات پوستی و ...) می‌شوند. البته برخی می‌گویند از آنجایی که در کاشت سنتی و دستی نشا برنج، زنان روستایی همزمان هم علف‌های هرز محدود را زیر گِل فرو می‌برند و هم کاشت نشا را انجام می‌دهند، برنج رشد بهتری خواهد داشت. همچنین حین کاشت سنتی نشا برنج، زنان روستایی با دست خود برخی قسمت‌های دارای تورفتگی را در زمین پُر و صاف می‌کنند. در حالی که دستگاه نشا این قابلیت را ندارد و بعد از کاشت نشا برنج با دستگاه، صاحب زمین در برخی قسمت‌های جاافتاده به ویژه در گوشه‌های انتهایی زمین، با دست کاشت نشا را انجام می‌دهد.

در سال ۱۳۸۵، زنان روستایی بعد از کاشت نشا برنج با دست، دو مرحله وجین را نیز انجام می‌دادند که با فاصله چند روز از هم انجام می‌شد. به وجین دوم در اصطلاح محلی «دوباره» می‌گفتند. به طور کلی در وجین ضمن چنگ زدن به گِل‌های اطراف برنج، علف‌های هرز دور آن را با دست می‌کنند تا بدین ترتیب برنج رشد بهتری داشته باشد. اگر زن روستایی حین وجین، نزدیک به مرز شالیزار باشد، این علف‌های هرز را به بیرون از قطعه زراعی پرتاب می‌کند و اگر در میانه شالیزار باشد این علف‌های هرز را همان جا در زیر زمین فرو می‌برد. در حال حاضر، هم افرادی که با دست کاشت نشا برنج را انجام می‌دهند و هم افرادی که از دستگاه نشا استفاده می‌کنند، یک بار وجین را با دست انجام می‌دهند و برای این کار از کارگران روزمزدی استفاده می‌شود. به باور روستاییان اگر وجین انجام نشود، میزان برنج دریافتی ۲۰-۳۰ درصد کمتر خواهد بود.

در زمینه تقسیم کار میان زنان و مردان روستایی هم تغییراتی ایجاد شده است. برای نمونه برخی فعالیت‌ها مانند کشت توتون و آماده‌سازی آن برای تحویل به شرکت دخانیات و نیز پرورش کرم ابریشم کاملاً حذف شده است و زنان و مردان روستایی دیگر هیچ فعالیتی در این زمینه انجام نمی‌دهند. در مورد برنج نیز در صورتی که با شیوه سنتی و دستی کشت شود، مرد و زن در آماده‌سازی خزانه که فضایی مستطیل‌شکل در درون شالیزار است، با هم همکاری می‌کنند. اما در صورتی که از دستگاه نشا استفاده شود، شرکت‌هایی در بیرون روستا، وظیفه تدارک خزانه و آماده‌سازی شلتوک‌ها را بر عهده دارند و شلتوک‌های سبز شده را همراه با دستگاه نشا به شالیزار می‌آورند. در حالتی که خزانه با شیوه سنتی آماده می‌شود و قرار است کاشت نشا با دست انجام شود، همانند گذشته شستشو و خیس کردن شلتوک‌ها، سرکشی به آنها، پاشیدن شلتوک‌های سبز شده در خزانه، سرکشی به خزانه و کنترل میزان آب موجود در آن، بیرون ریختن آب اضافی خزانه یا ریختن آب در آن از کارهای زنان است. در حالتی که از دستگاه برای کاشت نشا برنج استفاده می‌شود، فعالیت زنان در کاشت نشا کاملاً حذف می‌گردد. اما همان‌طور که بیان شد، زنان چه در حالت کاشت سنتی و دستی نشا برنج و چه در حالت کاشت ماشینی آن، همچنان و جین را با دست انجام می‌دهند. با این تفاوت که در سال ۱۳۸۵، و جین در دو مرحله و با فاصله چند روز از یکدیگر انجام می‌شد، ولی امروزه فقط یک بار انجام می‌شود. اکنون نیز همانند سال ۱۳۸۵ از کارگران روزمزدی زن در شالیزار استفاده می‌شود.

شخم زدن شالیزار با تیلر یا تراکتور، مرمت مرزهای اطراف شالیزار و کنترل میزان آب درون آن (قبل، حین و بعد از کاشت نشا برنج)، سم‌پاشی و کودپاشی در شالیزار را نیز همچنان مردان انجام می‌دهند. در سال ۱۳۸۵ در کنار استفاده از کمباین برای دروی برنج، گاهی مشاهده می‌شد که برخی مردان با دست برنج درو می‌کنند، اما اکنون این کار فقط با کمباین انجام می‌شود، مگر در مواقعی که به دلیل بارندگی زیاد و وقوع سیلاب‌هایی، دیگر امکان درو با کمباین وجود نداشته باشد.

زنان روستایی همانند گذشته پرورش ماکیان و کاشت، داشت و برداشت محصولاتی مانند سبزیجات، صیفی‌جات، حبوبات و ... را در حد مصرف خانوار انجام می‌دهند و در این زمینه مردان شخم باغ را قبل از کاشت محصولات فوق بر عهده دارند. حدود پانزده خانوار هم که از

سالمندان روستا هستند، همانند گذشته به نگهداری دام می‌پردازند که تقسیم کار در این زمینه تغییر نکرده است.

در زمینه صنایع دستی هم در سال ۱۳۸۵ برخی از زنان روستایی از گیاه خاصی، نوعی جاروی سستی برای مصرف خانوار درست می‌کردند که هنوز هم در بین عده معدودی متداول است. از این جارو برای نظافت ایوان و حیاط استفاده می‌شود.

تغییرات در زمینه واحدهای صنعتی، کارگاهی و خدماتی

در سال ۱۳۸۵، دو کارگاه برنج‌کوبی به عنوان صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی در روستای میانه وجود داشت که فعالیت یکی از آنها در سال ۱۳۸۶ متوقف گردید. حدود ۳ سال قبل کارگاه برنج‌کوبی دیگر به فردی از اهالی روستای مجاور فروخته شد و فرد مذکور در حال بازسازی آن به منظور راه‌اندازی مجدد است. در سال ۱۳۸۵، دو مرغداری صنعتی، دو گاوداری و سه استخر ماهی در روستا فعال بودند. در حال حاضر، ۵ استخر ماهی در روستا فعال است. موضوع قابل توجه، افزایش تعداد مرغداری‌های صنعتی روستای میانه در طی سال‌های قبل است. به گفته شورای روستا، در حال حاضر ۹ مرغداری فعال در میانه وجود دارد که ۳ واحد متعلق به میانه‌هایها و ۶ واحد متعلق به اشخاصی دیگر است. در هر مرغداری حدود ۴-۵ کارگر مشغول به کار هستند و از نواحی دیگر به روستا آمدند. به گفته شورای روستا «مجوزهای تأسیس مرغداری‌های میانه، همه مربوط به ۱۰ سال قبل است و آن زمان فاصله مصوب مرغداری تا محوطه مسکونی کمتر از میزان فعلی بود. در حال حاضر، دیگر مجوز راه‌اندازی مرغداری به این روستا داده نمی‌شود. چون فاصله مصوب مرغداری تا محوطه مسکونی افزایش یافته و به ۲۸۰ متر رسیده است».

در سال ۱۳۸۵ دو مدرسه در مقطع ابتدایی، یک خانه بهداشت، یک نانواپی و هفت مغازه (که هم به عنوان قهوه‌خانه و هم به عنوان توزیع‌کننده برخی مواد غذایی مانند چای، قند، شکر و ... فعالیت می‌کردند) موجود بود و اهالی روستا بقیه نیازهای خود را از کسما، ضیابر و صومعه‌سرا تأمین می‌کردند. در حال حاضر ۲ مدرسه ابتدایی روستا تعطیل است و تعداد انگشت‌شماری دانش‌آموز دبستانی وجود دارد که آنها برای تحصیل به کسما می‌روند. خانه بهداشت نیز فقط در روزهای زوج فعالیت می‌کند. نانواپی هم تعطیل است و سه قهوه‌خانه فعال

در روستا وجود دارد. همچنین یک پارک کودک به تازگی در روستا احداث شده است. علاوه بر این، در سال ۱۳۹۴ گازرسانی به روستای میانه انجام شده است.

نتیجه گیری

با مطالعه مجدد روستای میانه بعد از گذشت پانزده سال، مشخص شد که در این روستا در حوزه جمعیت، وضعیت اجتماعی روستا، محیط همسایگی، نحوه زراعت، تقسیم کار میان زنان و مردان، بافت فیزیکی و سکونتگاه‌های روستا تغییراتی پدید آمده است.

در این روستا طی سال‌های اخیر با کاهش جمعیت روستاییان و افزایش مهاجرت خانوارهای روستا به شهر نزدیک روستا مواجه هستیم که دلایل متعدد آن در مقاله بیان گردید. اکنون برخی از بخش‌های روستا کاملاً خالی از سکنه شده است. برخی خانوارهای روستایی هم که در سال‌های گذشته به زندگی در روستا علاقه‌مند بودند و قصد مهاجرت نداشتند، به تدریج با مهاجرت همسایگان پیرامون و خالی از سکنه شدن محدوده زندگی‌شان و از بین رفتن محیط همسایگی، احساس تنهایی و گاه حتی احساس نبود امنیت و ترس کردند و به مهاجرت از روستا گرایش یافتند و در واقع دلیل عمده مهاجرت‌شان همین موضوع بوده است. رواج سرقت در روستا به دنبال خلوت شدن بیش از پیش آن نیز از دیگر پدیده‌های مورد مشاهده بود. علاوه بر این، به تدریج با تمایل روستاییان به فروش خانه و زمین و مهاجرت به شهر نزدیک روستا، شهرنشینی عمدتاً غیرگیلانی در این روستا ساکن شده‌اند. آنها پس از ساختن خانه‌ای جدید یا بازسازی خانه قبلی روستایی به طور موقت در روستا ساکن شدند. برخی نیز فعلاً به خرید زمین اکتفا کردند و قصد دارند در آینده خانه‌ای در آنجا بسازند. معماری خانه‌های برخی شهرنشینان مذکور بسیار مجلل و متفاوت با معماری بومی است. در واقع یکی از پدیده‌های شایع در این روستا و برخی دیگر از روستاهای استان، مجاورت دو گروه جمعیتی در روستا با دو سبک زندگی متفاوت یعنی (۱) تولید و (۲) گذران اوقات فراغت و مصرف است. به طور کلی بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت در ۵۶ درصد از خانه‌های روستا شاهد سکونت دائم روستاییان هستیم. در ۱۴ درصد از خانه‌های روستا نیز میانه‌های ساکن در صومعه‌سرا به طور موقت و در دوره‌های زمانی خاص زندگی می‌کنند. ۱۸ درصد از خانه‌های مسکونی (معادل ۲۲ خانه) متعلق به شهرنشینانی عمدتاً غیرگیلانی است که برای گذران اوقات فراغت و استراحت و تفریح مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۱۱ درصد از خانه‌های روستا هم خالی از سکنه است که برخی از

این خانه‌های خالی از سکنه و بدون استفاده، به شهرنشینان تهرانی فروخته شده و برخی در انتظار فروش است و وضعیت برخی هم مشخص نیست. خانه‌های خالی از سکنه به دو دسته یعنی در حال تخریب و قابل سکونت تقسیم می‌شود.

علاوه بر این، شکل‌گیری سکونتگاه‌های موقتی و کوچک در کنار زمین زراعی برای اسکان موقت روستاییان زارع و ساکن در شهر نزدیک، از دیگر پدیده‌های جدید در این روستاست. روستاییانی که خانه خود را فروخته‌اند، ولی در فصل کشاورزی برای انجام امور مختلف در شالیزارها و باغات پیوسته به روستا می‌آیند، نیازمند اقامتگاهی کوچک هستند تا لحظاتی در آن استراحت کنند و برخی لوازم کشاورزی کوچک را در آنجا قرار دهند.

در نحوه کشت برنج در این روستا هم تغییراتی ایجاد شده است. اجرای طرح تجهیز و نوسازی و استفاده برخی روستاییان از دستگاه نشا و ... برخی از تغییرات مشهود در این بخش است. با وجود مهاجرت برخی روستاییان به صومعه‌سرا، شالیزارهای آنها در روستا با مدیریت خودشان یا از طریق واگذاری به سایر روستاییان (ساکن در روستا یا صومعه‌سرا) در قالب قرارداد اجاره کشت می‌شود. در واقع میاندهی‌های ساکن در روستا یا صومعه‌سرا، شالیزارهای خود را با یکی از روش‌های زیر به زیر کشت می‌برند: ۱) کاشت همراه با نیروی کارگر یا دستگاه نشا، ۲) یا واگذاری شالیزار به صورت اجاره‌ای یا نصفه‌کاری به سایر میاندهی‌ها. منظور میاندهی‌هایی است که در این روستا زندگی می‌کنند یا اینکه به صومعه‌سرا مهاجرت کردند، ولی برای به زیر کشت بردن زمین (با کارگر یا دستگاه نشا) به روستا می‌آیند. به گفته روستاییان، همه شالیزارهای میاندهی‌ها کشت می‌کنند و هیچ غریبه‌ای از بیرون روستا شالیزار را به صورت اجاره‌ای یا نصفه‌کاری در اختیار ندارد.

همان‌طور که برخی روستاییان نیز پیش‌بینی می‌کنند، به نظر می‌رسد در سال‌های آینده تعداد شهرنشینان ساکن در این روستا و سایر روستاهای گیلان افزایش یابد. علاوه بر جاذبه‌های طبیعی موجود در نواحی روستایی گیلان از جمله وجود دریا، کوه، جنگل، هوای پاک، رودخانه، آرامش و سکوت روستا، ممکن است عواملی مانند آلودگی روزافزون هوای شهرهای بزرگ به ویژه تهران و نیز بحران کمبود آب بر افزایش تمایل شهرنشینان به زندگی در روستا در سال‌های پیش‌رو مؤثر باشد.

منابع

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی صومعه‌سرا (۱۳۸۵). نقشه روستای میانده. خانه بهداشت روستای میانده (۱۴۰۱). مصاحبه.
- طالب. مهدی، عنبری. موسی (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی روستایی، با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی. سید احمد، فرضی‌زاده. زهرا (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده و علل و نتایج ناشی از تغییر وضعیت فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از روش نظریه بنیانی. توسعه روستایی. ۱. ۳۵-۶۵.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). سرشماری‌های مختلف. قابل دسترس در <https://amar.org.ir>
- مهندسین مشاور شهر آب خزر (۱۳۸۳). طرح هادی روستای میانده. گیلان: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.
- Luloff, A. E., Krannich, R. S. (2002). **Persistence and Change in Rural Communities; A 50-Year Follow-up to Six Classic Studies**. New York: CABI Publishing.
- Villa, M. (2012). **Rural Life Courses in Norway; Living within the Rural-Urban Complementarity**. *The History of the Family*. 5(4). 473-490.

پیوست (۱): ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در تحقیق

کد فرد	جنس	سن	سواد	وضعیت تأهل	شغل	محل سکونت
۱	زن	۵۰	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	روستای میانده
۲	مرد	۴۵	راهنمایی	متاهل	کشاورز	روستای میانده
۳	مرد	۶۵	بی‌سواد	متاهل	کشاورز، راننده تاکسی	صومعه‌سرا (مهاجرت کرده از روستای میانده)
۴	مرد	۷۰	بی‌سواد	متاهل	کشاورز	روستای میانده
۵	زن	۴۰	بی‌سواد	متاهل	کشاورز	روستای میانده
۶	زن	۴۵	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	صومعه‌سرا (مهاجرت کرده از روستای میانده)
۷	مرد	۷۵	بی‌سواد	متاهل	کشاورز	روستای میانده
۸	مرد	۳۰	کارشناسی	مجرد	بهورز	روستای میانده
۹	مرد	۴۰	دیپلم	متاهل	شورای روستا	روستای میانده
۱۰	مرد	۵۰	ابتدایی	متاهل	کشاورز	روستای میانده
۱۱	زن	۶۰	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	روستای میانده
۱۲	زن	۵۸	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	روستای میانده
۱۳	زن	۴۰	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	روستای میانده
۱۴	زن	۶۵	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	روستای میانده
۱۵	زن	۵۵	بی‌سواد	متاهل	خانه‌دار	روستای میانده

پیوست (۲): بخشی از جدول ویژگی‌های خانه و شالیزار روستاییان به عنوان نمونه

نام	وضعیت خانه		وضعیت شالیزار				وضعیت به	
	سکونت دائم میانه‌های	سکونت موقت میانه‌های ساکن در صومعه‌سرا	سکونت موقت شهرنشینان ساکن در تهران	خالی از سکنه (در حال تخریب یا سالم)	اجاره‌داری	نصفه‌کاری		فروش (به غریبه یا محلی)
۱	•						•	
۱			•					خانه به فرد تهرانی فروخته شده است. ایشان ساکن صومعه‌سرا است و برای کشت زمین به روستا می‌آید.
-	•						•	
-		•					•	
-								فرزندان برای تفریح به روستا می‌آیند و قصد فروش خانه را ندارند.
-	•						•	
-			•					